یادداشتهای پراکنده

رجائی زفره ای، محمد حسن

در آبادی کجان از دهات برزاونداردستان عارفی بنام‏"پیر قطب الدین‏"مدفون است. قسمتی از آسیاب محل وقف کسانی است که برای زیارت از اطراف به آنجا می‏آیند.در چند ساله اخیر که آسیاس موتوری معمول گردیده بالطبع آسیاب(-آسیا آبی)از کار افتاده و درآمدی برای تهیه غذای زوار نمانده.وی غیر از آنهائی است که در آتشکده اردستان‏ معرفی شده و در آنجا از قلم افتاده.

\*++\* حاج عبد الوهاب فتاحی نیسیانی با کمک اهالی محل حمامی در زادگاه خود(نیسیان‏ برزاونداردستان)میسازد،اشعار زیر از حاج ملا محمد حسین متخلص به فایق(1292 ق- 1379 ق)است،مرحوم فایق نیسیانی اشعار بسیاری گفته ولی متأسفانه ابیات کمی از او به چاپ رسیده.

در نیسیان یک جدید حمامی‏ شد بنا با صفا به عرض و به طول‏ حاج عبد الوهاب شد ساعی‏ باد لطف خدا به او مشمول‏ کارگرها و بانی و بنا همه استاد و کاردان و عقول‏ آجر و سنگ و آهک و گچ و خاک‏ شد ز اطراف بهر او منزول‏ خوش بنایی است الحق این حمام‏ همه را اجر با خدا و رسول‏ طبع فایق سرود در تاریخ‏ باد اغسالها صحیح قبول

1359 ق

\*++\* در شهریور 2536 به کرمان رفتم و بخط خوش و روی تابلویی در مقبرهء شاه نعمت الله ولی‏ دیدم:

بر مرقد شاه نعمت الله ولی‏ دیدم که نوشته‏اند با خط جلی‏ این پیر که خفته اندر این خاک عزیز شاهی است ولی گدای درگاه علی

و روی یکی از قالیهای آنجا یافته شده:

مطربم ساز عاشقان بنواخت‏ باز آواز دلنواز آمد جان هجران کشیده دل‏خوش شد مژده وصل دلنواز آمد میکند ناز ناز خواجه ایاز جان محمود در نیاز آمد دل به دلبر سپرده‏ام دیگر خاطر از هرچه بود باز آمد

وقف آستان مقدس حضرت شاه نعمت الله ولی،برادران اژدری.

\*++\* بر دیوار گورستانی بیت زیر که ظاهرا"از صائب است نوشته دیدم،و مناسب یافتم:

1-ای که از دشواری راه فنا ترسی مترس‏ بسکه آسان است این ره میتوان خوابید و رفت‏ 2-خوش هوای سالمی دارد دیار نیستی‏ ساکنانش جمله یکتا پیرهن افتاده‏اند

\*++\* در گویش مردم زفره از بخش کوهپایه اصفهان،واژه‏"کش‏"چهار زانو نشستن است. آقای محمد باقر غفرانی همشیره‏زاده‏ام عقیده دارد این کلمه در شاهنامه فردوسی‏ آمده:

نگهبان او پای کرده به کش‏ نشسته به بیشه درون شاه فش

\*++\* در آبادی زفره از بخش کوهپایه اصفهان بود از شافی که برای خیرات(مجلس ترحیم) مانند:سوم،پنجم،شب‏های جمعه،چهلم سال داده می‏شود،دعای سفره-خوانده می‏شود. این دعای سفره بعد از خوردن شام و قبل از جمع کردن سفره و بوسیله یکی از ملایان‏ زید الله النعم،دفع الله النعم،بحق سید العرب و العجم.خوانده می‏شود:

مزید نعمت بی‏منتهای ظل الاه‏ ظهور حضرت صاحب زمان شود ناگاه‏ هر آنکه خورد و خورانید و داد بی‏منت‏ به روح والدایشان خدا کند رحمت‏ علی الخصوص هر آنکس که این طعامش بود ببخش جرم و گناهش تو حضرت معبود ادا نما تو به کونین قروض و دینش را ز روی لطف بیامرز والدینش را... که‏ای خدا تو بیامرز حاضرین همه را ز روی لطف بخوانید جمله فاتحه را

\*++\* دربارهء لهجهء مخصوص شهر اصفهان مدارک زیر دیده شده:

1-لهجه اصفهان،ناصر دادمان،چاپ اصفهان(لغت‏نامه)

2-دیوان مکرم اصفهانی چاپ اصفهان

3-نامه مینوی(مجموعه 38 گفتار)چاپ 1350،مقاله‏ای با عنوان:سیر اطلاعاتی‏ درباره لهجه پیشین اصفهانی بقلم دکتر احمد تفضلی

4-مجله دانشکده ادبیات تبریز،سال 15 شماره 4 زمستان 1342

سه غزل اصفهانی از اوحدی مراغه‏ای

5-مجله دانشکده ادبیات اصفهان شماره 1 سال 1(سال 1343)

حنوکا صفحه 235 به بعد.

6-زاینده‏رود اصفهان،محمد محمودیان،دانشگاه اصفهان،1348

واژه‏های محلی صفحه 11-13 و نیز صفحه 208 تا 215

لهجه:انارک،خور،جندق

1-مجله مهر سال 8 شماره 3 خرداد 1331

مجله مهر سال 8 شماره 4 مرداد 1331

شرح تطبیق لهجه‏های خوری و بلوچی،فارسی بلوچی،انارکی یا خوری

2-یغما سال 20 شماره 4 تیر 1346-صرف زبان خوری

3-مجموعه مقالات سومین کنگره تحقیقات ایرانی جلد 2 چاپ 1353

معرفی لهجه‏های محلی بخش خور صفحه 241-248

خوانسار:

1-ترانه‏های محلی،یوسف بخشی.چاپ تهران

اشعار محلی

2-دورنمایی از خونسار،فصل الله زهرائی-چاپ 1341

عنوانهای:زبان خونساری،یک غزل به لهجه محلی،فارسی غزل مزبور

شهرضا(-قمشه)

1-مجله دانشکده ادبیات تهران سال 10 شماره 3

تحلیل سیستم فعل در لهجه ساده‏ای

2-نامه سخنوران سپاهان،اصفهان،فرهنگ و هنر،1354 جلد 3 یک مطلب آن: لهجه ورنوسفادرانی.